

- ۱- استراتژیک را تعریف کنید
- ۲- مدیریت استراتژیک را تعریف کنید
- ۳- ضرورت استفاده از مدیریت استراتژیک را بیان کنید
- ۴- مزایای مدیریت استراتژیک را بیان کنید
- ۵- فرایند مدیریت استراتژیک بیان کنید
- ۶- بررسی عوامل محیطی سازمان را بیان کنید.
- ۷- استراتژی سطح سازمان را تشریح کنید.
- ۸- جنبه های استراتژی های هدایت را بیان کنید.
- ۹- استراتژیکی مشارکتی را توضیح دهید.
- ۱۰- استراتژیکی تولید و عملیات شامل چه مواردی است

پاسخنامه

۱-

Strategema به معنای فرمانده ارتش مرکب از stratus به معنی ارتش و ago به معنی رهبری گرفته شده است. مفهوم استراتژی ابتدا به معنی فن ، هدایت، تطبیق و هماهنگ سازی نیروها جهت نیل به اهداف جنگ در علوم نظامی بکار گرفته شده.

۲-

تصمیمات و فعالیت‌های یکپارچه در جهت توسعه استراتژی‌های مؤثر، اجرا و کنترل نتایج آنهاست. بنابراین مدیریت استراتژیک فعالیت‌های مربوط به بررسی، ارزشیابی و انتخاب استراتژی‌ها، اتخاذ هر گونه تدابیر درون و بیرون سازمانی برای اجرای این استراتژی‌ها و در نهایت کنترل فعالیت‌های انجام شده را در برمی‌گیرد. علم و هنر تدوین ، اجرا و ارزیابی تصمیمات همه جانبه به منظور توانمند سازی سازمان در دستیابی به اهداف مورد نظر.

۳-

با نگاهی دقیق به مفهوم مدیریت استراتژیک می‌توان به ضرورت استفاده از آن پی برد . با توجه به تغییرات محیطی که در حال حاضر شتاب زیادی به خود گرفته است و پیچیده شدن تصمیمات سازمانی، لزوم بکارگیری برنامه‌ای جامع برای مواجهه با اینگونه مسائل بیشتر از گذشته ملموس می‌شود. این برنامه چیزی جز برنامه استراتژیک نیست. مدیریت استراتژیک با تکیه بر ذهنیتی پویا، آینده نگر، جامع‌نگر و اقتضایی راه حل بسیاری از مسائل سازمانهای امروزی است . پایه‌های مدیریت استراتژیک بر اساس میزان درکی است که مدیران از شرکت‌های رقیب، بازارها، قیمت‌ها، عرضه‌کنندگان مواد اولیه، توزیع‌کنندگان، دولت‌ها، بستانکاران، سهامداران و مشتریان که در سراسر دنیا وجود دارند قرار دارد و این عوامل تعیین کنندگان موفقیت تجاری در دنیای امروز است. پس یکی از مهمترین ابزارهایی که سازمان‌ها برای حصول موفقیت در آینده می‌توانند از آن بهره‌گیرند «مدیریت استراتژیک» خواهد بود.

۴-

مدیریت استراتژیک به سازمان این امکان را می‌دهد که به شیوه‌ای خلاق و نوآور عمل کند و برای شکل دادن به آینده خود به صورت انفعالی عمل نکند. این شیوه مدیریت باعث می‌شود که سازمان دارای ابتکار عمل باشد و فعالیت‌هایش به گونه‌ای درآمد که اعمال نفوذ نماید (نه اینکه تنها در برابر کنش‌ها، واکنش نشان دهد) و بدین گونه سرنوشت خود را رقم بزند و آینده را تحت کنترل درآورد. از نظر تاریخی، منفعت اصلی مدیریت استراتژیک این بوده است که به سازمان کمک می‌کند از مجرای استفاده نمودن از روش منظم‌تر، معقول‌تر و منطقی‌تر راه‌ها یا گزینه‌های استراتژیک را انتخاب نماید و بدین گونه استراتژی‌های بهتری را تدوین نماید. تردیدی نیست که این یکی از منافع اصلی مدیریت استراتژیک است ولی نتیجه تحقیقات کنونی نشان می‌دهد که این فرایند می‌تواند در مدیریت استراتژیک نقش مهم‌تری ایفا کنند. مدیران و کارکنان از طریق درگیر شدن در این فرایند خود را متعهد به حمایت از سازمان می‌نمایند. یکی دیگر از مهمترین منافع مدیریت استراتژیک این است که موجب تفاهم و تعهد هر چه بیشتر مدیران و کارکنان می‌شود. یکی از منافع بزرگ مدیریت استراتژیک این است که موجب فرصتی می‌شود تا به کارکنان تفویض اختیار شود. تفویض اختیار عملی است که به وسیله آن کارکنان تشویق و ترغیب می‌شوند در فرایندهای تصمیم‌گیری مشارکت کنند، خلاقیت، نوآوری و خیال‌پردازی را تمرین نمایند و بدین گونه اثر بخشی آنها افزایش خواهد یافت.

۵-

- تدوین استراتژی
- اجرای استراتژی
- ارزیابی استراتژی

۶-

بررسی محیطی عبارت است از نظارت، ارزیابی و نشر اطلاعات به دست آمده مربوط به محیط سازمانی، میان افراد کلیدی و موثر آن سازمان. بررسی محیطی همچنین ابزاری است که شرکت از آن برای جلوگیری از شوک‌های استراتژیک و تضمین سلامتی بلندمدت بهره می‌برد. تحقیقات نشان داده است که بین بررسی محیطی سود شرکت رابطه مستقیمی وجود دارد. در بررسی عوامل خارجی، فرصت‌ها و تهدیدهای پیش روی شرکتها شناسایی می‌شوند تا مدیران بتوانند با تدوین استراتژی‌های مناسب از فرصت‌ها بهره‌برداری کنند و اثرات عوامل تهدیدکننده را کاهش دهند یا از آنها پرهیز نمایند.

۷-

برای تعیین استراتژی در سطح کل شرکت / سازمان ، بایستی چشم انداز و مأموریت سازمان و عوامل محیطی و داخلی آن در نظر گرفته شوند و متناسب با آنها اهداف بلند مدت تنظیم شده و استراتژی هایی بررسی و انتخاب شوند که موفقیت مجموعه سازمان را به ارمغان آورد . در سطح کسب و کار نیز باتوجه به چشم انداز و مأموریت کلی و همچنین باتوجه به استراتژی هایی که برای سطح کل شرکت انتخاب شده اند و با در نظر داشتن عوامل داخلی و خارجی واحد مورد نظر ، استراتژی هایی تدوین می شوند که در قالب استراتژی کلی سازمان منجر به موفقیت واحد در میدان رقابت شود . در سطح وظیفه ای نیز به همین شکل و باتوجه به مواردی که در سطوح بالا تعیین شده اند و با در نظر داشتن عوامل آن سطح ، استراتژی هایی تدوین می شوند که باعث موفقیت واحد وظیفه ای از یک طرف و واحد تجاری استراتژیک مربوطه و سازمان / شرکت مادر از طرف دیگر شود . به خاطر شباهت موجود بین سطح کل شرکت و سطح کسب و کار (واحد تجاری استراتژیک) ، اغلب دسته بندی های استراتژی در هر دو سطح قابل به کار گیری است .

-۸

- ۱ - استراتژی های رشد ، فعالیتهای شرکت / سازمان را توسعه می دهند .
- ۲ - استراتژی های ثبات ، تغییری در فعالیتهای فعلی شرکت / سازمان نمی دهند .
- ۳ - استراتژی های کاهش ، سطح فعالیتهای شرکت / سازمان را کاهش می دهند .

-۹

استراتژی کسب و کار میتواند مشارکتی (همکاری با یک یا چند رقیب برای کسب مزیت علیه سایر رقبا) بوده و نشان می دهد که یک شرکت چگونه باید در یک صنعت خاص همکاری کند . از استراتژی های رقابتی برای کسب مزیت رقابتی در یک صنعت ، از طریق مبارزه با دیگر شرکتها ، استفاده می شود . البته این استراتژی ها ، تنها گزینه موجود فرآوری یک شرکت یا واحد تجاری برای رقابتی موفق در یک صنعت نیستند . استراتژی های مشارکتی ، آن دسته از استراتژی هایی هستند که برای کسب مزیت رقابتی در یک صنعتی از طریق همکاری، و نه مبارزه با شرکت های دیگر مورد استفاده قرار می گیرند . به غیر از تبانی میان رقبا ، که غیرقانونی است ، نوع اصلی استراتژی مشارکتی ، ائتلاف استراتژیک می باشد .

-۱۰

استراتژی تولید و عملیات این موارد را تعیین می کند ۱ - روش و محل تولید یک محصول ، ۲ - میزان و سطح یکپارچگی عمودی ، ۳ - توسعه منابع فیزیکی و ۴ - ارتباط میان عرضه کنندگان استراتژی تولید تحت تاثیر چرخه حیات محصول قرار دارد . این مفهوم افزایش در حجم تولید را توصیف می کند .